

# چهره‌های متعدد رادیوی جامعه



● فیلیپ ا. کایرستد  
سونیا کی کایرستد  
ترجمه دکتر ناصر بلیغ

رادیوی جامعه (Community Radio) تعاریف گوناگونی دارد که وابسته به نقش آن در نظام رسانه‌ای یک کشور است. در اغلب موارد، رادیوی جامعه از لحاظ فناوری به صورت پخش برنامه رادیویی با فرستنده کم قدرت در منطقه‌ای با جمعیت همگن تعریف می‌شود.<sup>(۱)</sup> ممکن است شامل مشارکت محلی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هم باشد، اما به احتمال زیاد، اعضای جامعه حتی در مراحل تولید برنامه‌ها نیز مشارکت دارند. سیدنی هد (Sydney w.Head) می‌گوید: «اغلب سیستم‌های متمرکز شبکه محور در دنیا، نیاز به سرویسهای منطقه‌ای را دریافتند، اما در پخش برنامه به سطح جامعه کندتر عمل کردند».

تاسیس رادیوی جامعه مبنا، به طور معمول حاصل پاسخ‌گویی دولت به نیاز توزیع تقاضاهای اجتماعی یا سیاسی، برای دسترسی به رسانه‌ها از سوی گروه‌های اقلیت، یا نیاز به ایجاد یک ابزار اقتصادی برای تقویت آموزش در موضوعات درسی اصلی مدارس و همچنین در حوزه‌های اجتماعی-اقتصادی است. دولت با توجه به درک این مشکلات، می‌خواهد در صورت افتادن فرستنده به دست ناراضیان، خسارت احتمالی را به حداقل برساند؛ دلیل استفاده از فرستنده‌های کم قدرت نیز همین نکته است.

در این مقاله ما به بررسی کاربردهای رادیوی جامعه و مفهوم آن می‌پردازیم؛ ابتدا با نگاه کردن به رادیوی جامعه به عنوان ابزار سیاسی و سپس به عنوان ابزار سیاست‌گذاری اجتماعی، با نمونه‌هایی از جزایر بریتانیا، قاره اروپا، آمریکای جنوبی، آسیا و استرالیا.

## تجربه اجتماعی «قطع، وصل» در بریتانیا

از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، دولت‌ها و پارلمان بریتانیا با تقاضاهای گروه‌های گوناگون، برای توسعه سیستم پخش برنامه (رادیویی و تلویزیونی) مواجه بوده‌اند. در ابتدا پاسخ به این تقاضاها با افزایش تعداد شبکه‌های تحت نظارت بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (BBC) همراه بود، که هرکدام برای ارضای سلیقه‌های گروه‌های متفاوت مخاطبان طراحی شده بودند. در اواسط دهه ۱۹۷۰، BBC اقدام به ایجاد سرویسهایی به زبانهای محلی برای ویلز، اسکاتلند و الستر نمود. گام دیگر، توسعه رادیوهای محلی BBC بود. استودیوهای محلی ساخته شدند و ایستگاههای رله BBC اجازه یافتند از سرویس شبکه جدا شوند تا برنامه‌هایی را پخش کنند که برای منطقه خودشان طراحی شده بودند.

شکل‌گیری ایستگاههای رادیویی محلی دارای درآمد تبلیغاتی، در سال ۱۹۷۳ آغاز شد. دولت هنوز هم کنترل رادیوی تجاری را از طریق مالکیت و نظارت بر امکانات پخش برنامه به وسیله دفتر مستقل پخش برنامه (IBA) که یک سازمان شبه-دولتی بود، در اختیار داشت.

در سال ۱۹۷۶ وزارت کشور اجازه انجام تجربیاتی را در زمینه رادیوی جامعه، با استفاده از سیستمهای کابلی به‌عنوان وسیله انتقال، صادر کرد. در **رادیوی جامعه WSM** در تلفورد (Telford)، دیدارهای هفتگی عمومی در روزهای یکشنبه برنامه‌ریزی شده بودند تا در آنها بحث در مورد سیاستهای برنامه‌سازی و ایده‌ها و اداره ایستگاه انجام گیرد. رادیوی کابلی نتوانست چندان تاثیرگذار باشد؛ شاید به این دلیل که تلویزیون کابلی هرگز در بریتانیا مقبولیت گسترده‌ای پیدا نکرده و توزیع محدودی داشت. تنها ایستگاه رادیویی

کابلی که تا سال ۱۹۸۷ هنوز در بریتانیا برنامه پخش می‌کرد، رادیو تیمز می‌د (Thamesmead) بود.

آنچه به تمایل روزافزون جامعه و گروه‌های رسانه‌ای برای به دست آوردن امکان رسانه‌ای اضافه کرد، انقلابی بود که در زمینه موسیقی مردمی رخ داد که نه رادیوهای محلی مستقل نسبت به آن واکنش نشان دادند و نه BBC. موضوع

**تاسیس رادیوی جامعه، حاصل پاسخ‌گویی دولت، به نیاز توزیع تقاضاهای اجتماعی یا سیاسی، برای دسترسی به رسانه‌ها از سوی گروه‌های اقلیت، یا نیاز به ایجاد یک ابزار اقتصادی برای تقویت آموزش در موضوعات درسی اصلی مدارس و همچنین در حوزه‌های اجتماعی-اقتصادی است.**

انتخاب موسیقی زیر پوشش یک قرارداد بریتانیایی موسوم به **زمان تزئین (time needle)** بوده و همچنان هست. این یک قرار با اتحادیه موسیقیدانان و نوازنده‌هاست که بر مبنای آن، هزینه سنگینی به پخش هر نوع موسیقی ضبط شده تحمیل می‌شود و به این ترتیب تعداد دفعات پخش موسیقیهای ضبط شده در هر روز را محدود می‌کند. این قاعده به نوبه خود عرضه اشکال مختلف موسیقی با جاذبه اندک را فوق‌العاده مشکل می‌کند. دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران جاز، سول (soul)، رگا (reggae) و موسیقیهای خارجی، ضربه ناشی از این محدودیت را تحمل کرده‌اند.

## رادیوی غیرمجاز، در دریا و خشکی

دو عامل ناامیدی- فقدان موسیقی معاصر و روز در رادیو و فرصتهای ناکافی برای برنامه‌های اقلیتها- منجر به توسعه «رادیوی غیرمجاز» شد.

یک نوع از رادیوی غیرمجاز شامل ایستگاههای رادیویی قدرتمند تجاری مستقر در کشتیهایی بود که خارج از آبهای سرزمین بریتانیا، در کانال مانس یا دریای شمال، لنگر انداخته بودند. نخستین ایستگاه مهم رادیویی ساحلی، **رادیو کارولین (Caroline)** بود که یک برنامه زمانی پخش برنامه منقطع را در سال ۱۹۶۴ آغاز کرد، در سال ۱۹۸۰ غرق شد، در سال ۱۹۸۳ مجدداً ظاهر شد و طبق گزارش از سال ۱۹۸۷ تا امروز برنامه پخش می‌کرد. از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۶۷، ۱۱ ایستگاه دریایی به **کارولین** پیوستند. در سال ۱۹۶۷، قانون جرایم پخش برنامه دریایی، همه امور مربوط به رادیوهای غیرمجاز دریایی را غیرقانونی کرد و همه ایستگاهها، غیر از **کارولین**، پخش برنامه را متوقف کردند. **کارولین** تبدیل به یک پدیده منقطع (قطع و وصل) شد.

دولت بریتانیا در سال ۱۹۸۵ سعی کرد با گرسنگی دادن به خدمه لیزر ۵۵۸، که متعلق به ایرلندیها بود و آمریکاییها آن را اداره می‌کردند، آنها را از میدان به در کند. آنها از یک قایق استفاده می‌کردند که در اجاره وزارت تجارت و صنعت بود و برای فراری دادن کشتیهایی تامين کننده تدارکات مورد نیاز لیزر ۵۵۸ به کار می‌رفت. اما لیزر ۵۵۸ در ماه نوامبر سال ۱۹۸۵ در اثر یک توفان شدید در دریای شمال از کار افتاد. کشتی آسیب دیده به یک بندر بریتانیایی منتقل شد و در آنجا مقامات دولتی و وکلای بخش خصوصی به آن هجوم بردند و با اجرای حکم دادگاه به شکل موثری کار پخش برنامه آن را متوقف کردند.

در خشکی، اعضای جوان و فنی گروه‌های قومی و نژادی به زودی کشف کردند که می‌توانند با ایجاد تغییراتی در تجهیزات الکترونیکی موجود در بازار، استودیو و تجهیزات فرستنده لازم را برای پوشش محدود به وجود آورند. اندکی بعد، ایستگاه‌های رادیویی غیرمجاز زمینی به-



می‌کردند. در واقع یکی از نگرانی‌های دولت، میزان فعالیت سیاسی در منطقه بریکستون (Brixton) در جنوب لندن بود که از لحاظ سیاسی قابل انفجار و در بسیاری موارد به صحنه شورش و اغتشاش تبدیل می‌شد. سایر گروه‌های فعال در زمینه رادیوهای غیرمجاز، آسیایی‌ها و مردان

**رادیوهای تجاری محلی در  
بریتانیا اغلب دچار  
گرفتاریهای مالی بودند که  
علت عمده آن هزینه‌های  
بالای اجاره فرستنده و  
تجهیزات پخش، حقوق و  
دستمزد بالای کارکنان که  
حاصل توافق با اتحادیه  
بودند و همچنین ضعف  
بازار تبلیغات بود.**

غیرمجاز برنامه هجوم برده و ۱۲۷ نفر به جرایم گوناگون مرتبط با رادیوهای غیرمجاز متهم و محکوم شده‌اند.

### رادیوی جامعه، ایده بزرگ

رادیوی جامعه در بریتانیا هنگامی مورد توجه قرار گرفت که در سال ۱۹۸۵ مورد توجه قرار گرفت؛ هنگامی که یک تجربه رادیکال، شامل اعطای مجوز استفاده از فرکانس‌های کم قدرت به جوامع و گروه‌های ذینفعی که می‌توانستند مالک امکانات پخش برنامه خود باشند، به صورت علنی اعلام شد.<sup>(۳)</sup> پس از سالها بحث در مورد نیاز درازمدت به ایستگاه‌های رادیویی در سطح جامعه به تعداد بیشتر و سالها ناامیدی و شکست در سرکوب راهزنان رادیویی زمینی، وزارت کشور در ژوئیه ۱۹۸۵ اعلام کرد که طرحی برای دادن مجوز به تقریباً ۲۰ ایستگاه رادیویی جامعه کم قدرت برای یک دوره آزمایشی دو ساله در دست اجرا دارد. در این طرح، سه سطح برای ایستگاهها پیش‌بینی شده بود:

- محله کوچک (شعاع پوشش ۵ کیلومتر)  
- محله بزرگ (حوزه پوشش تعیین نشده)

- جامعه خاص (شعاع پوشش ۱۰ کیلومتر، فقط در منچستر و شمال و جنوب لندن)

اکثر تخصیصها در طول موجهای VHF کمتر مورد استفاده (معادل FM در ایالات متحده) و تعداد محدودی از تخصیصها در طول موجهای متوسط (AM در ایالات متحده) قرار دارند.

مجوز ایستگاهها به کسانی داده می‌شود که منافع مالی در ایستگاههای دیگر نداشته باشند. گروههای مالک ایستگاههای مستقل رادیویی یا تلویزیونی

همجنس‌باز بودند. پاسخ دولت به رادیوهای غیرمجاز زمینی هجوم و حمله به محل ایستگاه و مصادره تجهیزات آنها بود. نشریه تجاری بریتانیایی **برودکست (Broadcast)** در شماره مارس ۱۹۸۶ خود گزارش داد که **رادیوی یونانی لندن** در طول ۲۸ ماه، بیش از ۱۰۰ بار مورد حمله ماموران وزارت تجارت و صنعت قرار گرفته است.<sup>(۴)</sup> گزارش سالانه وزارت تجارت و صنعت، حاکی از آن است که این سازمان در طول سال ۱۹۸۶، ۲۱۷ بار به پخش‌کننده‌های

سرعت ایجاد شدند تا به تقاضا برای موسیقی و برنامه‌های قومی به زبان خارجی پاسخ بدهند. راهزنان رادیویی در سراسر بریتانیا (عمدتاً در شهرهای بزرگ صنعتی) شروع به فعالیت کردند که لندن، هم از لحاظ تعداد ایستگاهها و هم از نظر شدت فعالیت سیاسی، مرکز آنها بود.

اگرچه این راهزنان نمونه‌هایی از جمعیت بریتانیا بودند، اما جمعیت یونانیها و آفریقایی-کارائیبیهای مقیم لندن که زیاد هم بودند، به‌طور خاص در این نوع عملیات رادیویی غیرمجاز فعالیت

از داشتن اکثریت سهام در ایستگاههای رادیویی جامعه منع شدند و مقامات محلی، احزاب سیاسی و گروههای سیاسی و مذهبی هم نمی‌توانند مالک این ایستگاهها باشند.<sup>(۴)</sup>

سیلی از تقاضاها از سوی راهزنان رادیویی سابق، گروههای ذینفع نژادی و قومی و موسسات آموزشی؛ شامل دانشگاه شهر لندن، سرازیر شد. توافقهایی میان گروههای اجتماعی برای ایجاد ائتلافهای قوی چندجانبه متقاضی مجوز صورت گرفت. در اواخر نوامبر سال ۱۹۸۵ وزارت کشور ۲۶۶ تقاضا دریافت کرده بود؛ همچنین ۶۹ تقاضا برای فرکانس شمال لندن و ۳۳ تقاضا برای جنوب لندن.

در حالی که سیستم اداری مشغول رسیدگی به تقاضاها بود، برخی از گروههای اجتماعی در صدد یافتن منابع مالی برای راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی و تجهیز اماکن خود برآمدند. یک متقاضی مجوز مربوط به شمال لندن، کمک مالی ۴۸ هزار پوندی (۸۶۴۰۰ دلار) از شورای لندن بزرگ دریافت کرد. یک متقاضی دیگر در شمال لندن با آنکه دولت فقط چند صفحه اسناد ساده و مختصر همراه با تقاضا را از وی خواسته بود، یک تقاضانامه با ۳۷۱ برگ ضمیمه را تسلیم مقامات کرد.

گروه **رادیوی جامعه روندا** (Rhondda) انگلیس، که تنها متقاضی در منطقه خود بود، طبق گزارش برای تامین سرمایه‌ای در حد ۷۵ هزار پوند برنامه‌ریزی کرده بود.

انتظار می‌رفت که اسامی متقاضیان برنده شده، در ژانویه ۱۹۸۶ اعلام شود. در ابتدا تاخیرها را به گردن حجم تقاضاهایی که باید بررسی می‌شد، انداختند؛ اما بعد معلوم شد که رادیوی جامعه مشکلات سیاسی دارد. رادیوهای تجاری محلی در بریتانیا هرگز از این تجربه پیشنهادی راضی نبودند. این رادیوها اغلب دچار گرفتاریهای

مالی بودند، که علت عمده آن هزینه‌های بالای اجاره فرستنده و تجهیزات پخش، حقوق و دستمزد بالای کارکنان که حاصل توافق با اتحادیه بودند و همچنین ضعف بازار تبلیغات بود. رئیس **رادیو کلاید** (Clyde) حتی بخشی از گزارش سالانه شرکت خود در سال مالی ۱۹۸۴-۸۵ را به یک حمله شدید علیه رادیوی جامعه اختصاص داد.

مخالفت پخش‌کننده‌های تجاری برنامه آشکار و منتظره بود. با گذشت چند ماه و اعلام نشدن فهرست دریافت‌کننده-های مجوز، نگرانی رهبران انجمن رادیوی جامعه افزایش یافت؛ مخصوصاً وقتی خبر تجدیدنظر احتمالی دولت در مورد انجام

در برگ کارشناسی آینده در مورد رادیو، بپردازد. این برگ کارشناسی یکی از مطالعات عمیق دوره‌ای دولت بود که با آینده پخش برنامه رادیویی ارتباط داشت. بنا بود که این بررسی در پاییز سال ۱۹۸۶ صورت گیرد، اما تا فوریه ۱۹۸۷ به تاخیر افتاد.

از جمله موضوعهای مطرح شده در پاسخ هردمی توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نگرانیهایی در مورد شکل دقیق رادیوی جامعه
- فقدان یک دستگاه نظارتی
- فقدان حداقل استانداردهای اعلام شده در زمینه بیطرفی
- رعایت شئون

## به‌طور متوسط، رادیوی جامعه در طول یک هفته دیدار از یک منطقه، دیدار از یک هفته روزانه ۵ ساعت برنامه پخش می‌کند. پژوهش و بخشی از ارائه برنامه‌ها بر عهده اعضای همان جامعه محلی است.

- نگرانی برخی از ایستگاههای رادیویی محلی مستقل، در مورد آینده تجاری خودشان.

یک بهانه دیگر آن بود که گزارش کمیسیون پیکاک (Peacock) باید پس از انتشار، مطالعه شود. کمیسیون پیکاک در حال اجرای یک طرح مطالعاتی گسترده در مورد آینده BBC و IBA بود. این گزارش، که در اوایل ژوئن ۱۹۸۶، پیش از لغو طرح رادیوی جامعه، به وزارت کشور ارائه شده بود، روی این رادیو متمرکز نشده بود اما پیشنهاد کرده بود که انحلال دو شبکه از چهار شبکه رادیویی BBC بررسی شود.

رادیوی جامعه در بریتانیا پیش از تولد، مُرد. گرچه شایعاتی که در مطبوعات تجاری بریتانیایی در اوایل سال ۱۹۸۷

این تجربه را شنیدند. شایعاتی در مورد نگرانی رسمی از اینکه دولتهای خارجی از این اقدام گله‌مند شده باشند یا رادیوی جامعه یک صدای ضددولتی خواهد بود، رواج یافت. این خبر نیز پخش شد که: «وزیر کشور- داگلاس هرد (Douglas Hurd)- نگرانیهای جدی در مورد برخی از جنبه‌های این تجربه دارد.»

سرانجام در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۶، روی دیگر سکه هنگامی آشکار شد که داگلاس هرد در پاسخ به یک سوال پارلمان گفت که دولت تصمیم گرفته بود که اندیشه یک تجربه فوری در زمینه رادیوی جامعه را- که شکل دقیق آن هنوز موجب دردسر بود- کنار بگذارد و به بررسی مجدد موضوع رادیوی جامعه در میان موضوعات موردنظر



منتشر شد حاکی از آن بود که برگه اعلام نظر کارشناسی وزارت کشور توصیه خواهد کرد که دولت طرح رادیوی جامعه را دنبال کند. اما برگه کارشناسی در مورد رادیو (نام رسمی، رادیو: انتخابها و فرصتها)، پس از انتشار در فوریه ۱۹۸۷ حاوی متن خلاصه‌ای در این مورد بود: «...چشم‌اندازی برای سرویسهای رادیوی جامعه که تحت نظارت نه‌چندان جدی دولتی به‌عنوان سرویسهای جدید ملی فعالیت کنند، وجود دارد...» این گزارش وعده می‌دهد: «فرکانسهایی برای یک طبقه جدید از سرویسهای اجتماعی وجود خواهد داشت...».

### اشکال مختلف رادیوی جامعه در اروپا

ایرلند؛ پخش برنامه به زبان محلی ایرلند از آوریل ۱۹۷۲ تاکنون یکی از اشکال رادیوی جامعه را عملی کرده است. طرح اولیه، ایجاد سرویسهای تخصصی برای نواحی ایرلندی زبان کشور، مخصوصاً استان دونگال (Donegal)، استان گالوی (Galway) و استان کری (Kerry) بود. این تصمیم به دنبال ناآرامیهای مرتبط با حقوق مدنی از جانب مردم گلنتک (Gaeltach) - نواحی ایرلندی زبان- توسط دولت اتخاذ شد.

با آنکه هدف اولیه، استفاده از فرستنده‌های نسبتاً کم‌قدرت بود، ریدیو ناگلنتکتا (Radio na Gaeltachta) به‌سرعت تبدیل به یک سرویس شبکه‌ای شد و شروع به استفاده از فرستنده‌های منطقه‌ای پر قدرت نمود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ چند واحد فرستنده کم‌قدرت به آن اضافه شد و در سال ۱۹۷۹ برنامه‌هایی از راه دور پخش می‌کرد که ساکنان جوامع محلی تحت مدیریت تهیه‌کنندگان گلنتکتا تولید کرده بودند.

در حالی که پخش برنامه به زبان ایرلندی گسترش می‌یافت، یکی از مشکلاتی که سیستم دولتی پخش برنامه در ایرلند- رادیو و تلویزیون ایرلند (Eireann Radio Telefis) - با آن مواجه بود، نحوه ارائه خدمات به جوامع کوچک متعدد ایرلند بود. برخلاف انگلستان با نواحی شهری بزرگ، ایرلند جمعیتی تقریباً معادل ۳/۳

### دنیای توسعه‌یافته، رادیوی جامعه را بیشتر یک کاتالیزور برای توسعه و فرهنگ تلقی می‌کند. این دو هدف برای دولت‌هایی که عموماً خود را محتاج اعمال کنترل متمرکز و قدرتمندانه می‌دانند، حالت تهدید کننده ندارند.

میلیون نفر دارد که در منطقه‌ای به وسعت ۲۸۰۰۰ مایل مربع پراکنده شده‌اند. معنای این سخن آن است که تقریباً نیمی از جمعیت این جمهوری در جوامعی با کمتر از ۱۵۰۰ نفر جمعیت زندگی می‌کنند. اسناد RTE حاکی از آن است که تامین سرویس رادیویی کامل برای جوامعی با کمتر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، غیراقتصادی خواهد بود. مبنای این تصمیم ارائه مجموعه کاملی از اخبار، اطلاعات و توصیه‌های اجتماعی و همچنین موسیقی ضبط شده بود.

در پاسخ به این چالش، RTE در سال ۱۹۷۵ به‌صورت تجربی اقدام به تاسیس سرویس رادیوی جامعه (Pobal naTire Radio) نمود. این مفهوم از این نظر منحصر به‌فرد بود که متکی به استودیوها و فرستنده‌های سیار بود. این استودیوهای

سیار روی هر دو موج AM و FM برنامه پخش می‌کنند و برد موثر فرستنده‌ها بین ۳ تا ۵ مایل است. به‌طور متوسط، رادیوی جامعه در طول یک هفته دیدار از یک منطقه، دیدار از یک هفته روزانه ۵ ساعت برنامه پخش می‌کند. پژوهش و بخشی از ارائه برنامه‌ها بر عهده اعضای همان جامعه محلی است.

RTE برای این استودیو، فرستنده سیار و یک تهیه‌کننده ارشد و کادر فنی لازم را تامین کرد. تهیه‌کننده دخالتی در تصمیمهای برنامه‌سازی نداشت. این کار به‌صورت محلی انجام می‌گرفت. موعد دیدار واحد سیار به‌نحوی تنظیم شده بود که در هر بار با یک فستیوال محلی یا واقعه مهم دیگر همزمان بود. این واحدهای سیار از حدود ۶۰ جامعه محلی دیدار کردند.

در پایان این مطالعه، RTE به دولت پیشنهاد کرد که استودیوهای کوچک در جوامع ۳۰۰۰ نفر به بالا ساخته شوند؛ برنامه‌ها به‌صورت محلی ساخته شده، با استفاده از فرستنده‌های منطقه‌ای پخش شوند.

آینده پخش برنامه با مشارکت جامعه در جمهوری ایرلند روشن نیست. در سال ۱۹۸۶، دولت طرح توسعه رادیوی تجاری را تایید کرد و به RTE فقط اجازه توسعه محدود فرستنده‌ها را داد.

پیش از بحث ایرلند بر سر تاسیس رادیوی تجاری و در جریان این بحث، ایستگاههای غیرمجاز با کمترین مداخله و مزاحمت از جانب دولت به سرعت ایجاد شدند. در سال ۱۹۸۳، حدود ۷۰ ایستگاه رادیویی غیرمجاز در ایرلند فعالیت می‌کردند.

پیشنهاد تاسیس یک رادیوی جامعه دائمی در اثر یک نزاع پارلمانی در مورد نقش آینده RTE و تبدیل احتمالی آن به یک سیستم دوگانه تجاری- دولتی مانند

بریتانیا، یا احتمالاً خصوصی سازی تمامی رادیو و تلویزیون ایرلند، به فراموشی سپرده شد.

### سوئد؛ رادیوی جامعه حقیقی

در سوئد، رادیوی جامعه رادیوی ملی سوئدی LRAB یا (Sveriges Lokalradio) نامیده می شود که در زبان انگلیسی می توان آن را رادیوی محله نامید. در حال حاضر

بیش از ۱۰۰ فرستنده کم قدرت مورد استفاده قرار می گیرند. گروه های محلی غیرانتفاعی سیاسی، اتحادیه ای یا مذهبی می توانند وقت استفاده از فرستنده را از دفتر هماهنگی و صدور مجوز موسوم به Narradionamnden اجاره کنند. نرخ اجاره بسیار پایین است (۱۰ سنت برای ۱۵ دقیقه استفاده در سال ۱۹۸۴). هنگامی که برای اولین بار این طرح اعلام شد، ۵۴۰ انجمن محلی و ۷۰ سازمان ملی به استفاده از این ایستگاه ابراز علاقه کردند.

اکثر کاربران را سازمان های کلیسایی، سازمان های سیاسی (قبل از انتخابات) و جوانانی که مایل بودند موسیقی خودشان را بشنوند، تشکیل می دادند. برخی از گروه های مهاجران در شهرهای بزرگ هم از رادیو محله استفاده کرده اند.

### دانمارک؛ یک سنت دسترسی عمومی

سالهاست که دانمارک یک «پروژه رادیو در دسترس عموم» را در حال اجرا دارد. در اصل سیستم دولتی پخش برنامه

کمک فنی را در اختیار هر شهروندی که بخواهد برنامه رادیویی تولید کند، قرار می دهد. بهترین برنامه های تولید شده از شبکه ملی پخش می شوند.

دولت در سال ۱۹۸۱ انجام تجربه ای در زمینه رادیوی جامعه را، با استفاده از فرستنده های ۱۰ واتی تایید کرد. مجوز ایستگاهها به گروه های اجتماعی،



در کشورهای کمتر توسعه یافته، رادیوی جامعه چهره های متعددی دارد؛ از مشارکت ساده جامعه در برنامه هایی برای آموزش یا توسعه گرفته تا مشارکت گسترده در جامعه.

سازمان های مذهبی، روزنامه ها، سازمان های آموزشی، احزاب سیاسی، گروه های خاص، اتحادیه ها و شوراهای محلی داده می شد. در پایان دوره آزمایشی، رادیوی جامعه تبدیل به بخشی از مجموعه رسانه ای رسمی کشور دانمارک شد.

سخنگوی دولت دانمارک در واشینگتن اعلام کرد که رادیوی جامعه در قانون مصوب سال ۱۹۸۵ به صورت دائمی

تایید شده است.

### ایتالیا؛ رادیوی جامعه غیر رسمی

ایتالیا از طریق مقررات زدایی به مقوله رادیوی جامعه بازگشت. هنگامی که دموکرات مسیحیها در دهه ۱۹۷۰ به تدریج کنترل دولت را از دست دادند، اختیار آنها در اداره سازمان ملی پخش برنامه (RAI) کاهش یافت و چند ایستگاه پخش برنامه به صورت غیرقانونی شروع به فعالیت کردند. در سال ۱۹۷۴ و مجدداً در سال ۱۹۷۶، دادگاه عالی ایتالیا در موارد پخش برنامه غیرقانونی احکامی صادر کرد که در آنها ذکر شده بود انحصار دولتی در مورد رادیوهای محلی قابل اعمال نیست.

قانون تصویب شده پس از احکام صادره سال ۱۹۷۴ مبهم بود و در آن نظارت بر رادیوهای محلی لحاظ نشده بود. ایستگاه های رادیویی محلی به سرعت پدیدار شدند که اغلب آنها تجاری بودند، اما حدود ۲۵ درصد آنها به صورت غیرانتفاعی توسط سازمان های حامی مالی اداره می شدند. بدین ترتیب، ایتالیا- در حالت عادی- رادیوی جامعه دارد، اما سیستم رادیوی جامعه ندارد.

### یوگسلاوی؛ رادیو کمون

یوگسلاوی کار رادیوی محلی را در دوران جنگ جهانی دوم آغاز کرد. در آن زمان رادیوی محلی برای پخش برنامه پارتیزانی از مناطق آزاد شده مورد استفاده قرار می گرفت. چند مورد از این ایستگاهها پس از جنگ به پخش برنامه ادامه دادند و در سال ۱۹۶۵، دولت قوانین پخش برنامه خود را اصلاح کرد تا به سازمانها و

کمیته‌های اجتماعی-سیاسی، کمونها، موسسات و سازمانهای خودگردان اجازه تاسیس ایستگاههای کم قدرت بدهد. در سال ۱۹۸۴ یوگسلاوی گزارش داد که ۱۹۸ ایستگاه محلی از این نوع دارد. انتظار می‌رفت که این تعداد با افزایش تعداد فرستنده‌های نصب شده توسط کمونها به حداکثر ممکن از لحاظ فنی، یعنی ۳۰۰ ایستگاه برسد. بسیاری از ایستگاههای محلی مطالب مورد علاقه

بین‌المللی دانمارک (DANIDA)، ایفا کرد. از لحاظ تاریخی، سیستم پخش برنامه سری لانکا در خدمت برگزیده‌های شهرنشین بود؛ بر این مبنا که بهتر است خدمت بیشتری به کسانی شود که بیدار و آگاه شده‌اند و برای تقویت مهارتهای اکتسابی آنان اطلاعات و دانش زیادتری در اختیارشان گذاشت. برای ارائه خدمات به ۸۰ درصد جمعیت کشور که در نواحی روستایی زندگی می‌کردند، کار زیادی

**اولین مرحله پروژه رادیوی جامعه در سری لانکا، شامل: توسعه تکنیکهای تولید بر مبنای مشارکت مستقیم مهاجران در تولید برنامه‌ها بود. برای اثربخش کردن این مرحله، تیمهای تولید در روستاهای برگزیده در دوره‌های چهار روزه اقامت می‌کردند و در این مدت با ساکنان روستا جلسات بحث و گفت‌وگو داشتند.**

خاص اقلیتهای قومی، مراکز فرهنگی، گروههای کارگری و دانشجویی را پخش می‌کنند. بخش اعظم درآمد این ایستگاهها از طریق کمک دیگران تامین می‌شود، اما پخش آگهی به صورت محدود هم مجاز است.

#### سری لانکا؛ رادیوی مهاجران

رادیوی جامعه در سری لانکا در نتیجه مقاله‌ای به قلم ن. چیتی (Chitty) که اکنون مشاور سفارت سری لانکا در واشینگتن است- در مورد مشارکت کشاورزان در تولید برنامه‌های رادیویی در مورد مشکلات خودشان، ایجاد شد. کنود اِبسن (Knud Ebbesen)، مدیر پروژه رادیو در دسترس عموم در دانمارک، در آن زمان به این پروژه سری لانکایی علاقه‌مند شد و نقش موثری در ایجاد رادیوی جامعه در سری لانکا، با تایید وزارت کشور و یونسکو و حمایت مالی آژانس کمک

انجام نشده بود.

دولت در سالهای اخیر روی طرحهای مبارزه با بیسوادی در میان مردم روستا متمرکز شده است. افزایش سواد و توسعه فعالیت کشاورزی و اقتصادی خارج از نواحی شهری در سال ۱۹۷۹ دولت را بر آن داشت که سیاست تمرکززدایی رادیو را تصویب کند و به اجرا درآورد.

وظیفه رادیوی دولتی تامین ابزاری برای بیان دیدگاههای مردم، کشف استعدادهای تازه و ارائه بهترین خدمات به جمعیت کشاورز بود.

#### بنگاه سخن‌پراکنی سری لانکا (SLBC)

چندین ایستگاه رادیویی منطقه‌ای تاسیس کرد و در سال ۱۹۸۱ یک پروژه مشترک رادیوی جامعه را با همکاری DANIDA آغاز نمود. محور اصلی فعالیت این پروژه کشاورزانی بودند که در مناطق جدیدالاحداث پروژه توسعه تقویت شده

ماهاولی، یک پروژه آبیاری با هدف فراهم آوردن امکان استقرار مجدد تقریباً یک میلیون نفر در بیش از یک میلیون هکتار زمین کشاورزی جدیدالاحداث، مستقر شده بودند.

اولین مرحله پروژه رادیوی جامعه شامل توسعه تکنیکهای تولید بر مبنای مشارکت مستقیم مهاجران در تولید برنامه‌ها بود. برای اثربخش کردن این مرحله، تیمهای تولید در روستاهای برگزیده در دوره‌های چهار روزه اقامت می‌کردند و در این مدت با ساکنان روستا جلسات بحث و گفت‌وگو داشتند. در طول این بحثها مکالمات ضبط می‌شد، گاهی این بحثها با شرکت مقامات دولتی برگزار می‌شد که به آنها گفته بودند توضیحاتشان را به زبانی ارائه کنند که برای مهاجران قابل فهم باشد. یک دیدار دیگر برای سازماندهی و ضبط یک برنامه یا مراسم همراه با موسیقی در روستا انجام گرفت. در این فرآیند، برخی از آوازهای سنتی نادر ضبط شده‌اند که اکنون به‌عنوان مطالب پژوهشی نگه‌داری می‌شوند.

نخستین ایستگاه رادیوی جامعه در سال ۱۹۸۵ در گیراندوروکوته، مرکز اصلی پروژه توسعه رودخانه ماهاولی، تاسیس شد. این ایستگاه شعاع پوششی معادل ۲۵ کیلومتر دارد و انتظار می‌رود که پس از پایان مرحله استقرار مجدد به جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر سرویس بدهد.<sup>(۵)</sup> برنامه‌ها روی هر دو موج AM (متوسط) و FM (VHF) پخش می‌شوند.

این ایستگاه، با سه تهیه‌کننده، سه تکنیسین، یک دستیار دبیرخانه و یک مسئول امور دفتری در ابتدا تنها نیم ساعت و هنگام شب برنامه پخش می‌کرد. برخی مطالب ضبط شده در روستاها پخش می‌شد و از شنونده‌ها دعوت می‌شد که کاستهای خود را که در آن واکنش خود را

نسبت به برنامه‌ها یا موضوعات مهم از نظر خودشان ضبط کرده‌اند، برای ایستگاه بفرستند. سایر موضوعات عبارت بودند از: روندهای بازار و قیمت‌ها، اطلاعات بهداشتی، اخبار محلی، گزارشهای وقایع خاص و اطلاعات در مورد برنامه‌های آموزشی. پس از آن ایستگاه یک ساعت برنامه در ساعت ۶ صبح هم پخش می‌کرد. اکنون وقت فروش آگهی مجاز است، اما پیامهای تبلیغاتی باید با سبک زندگی جوامع کشاورزی مرتبط باشند.

این پروژه شروع به تربیت داوطلبان در زمینه تولید برنامه کرده است. هر داوطلب به عنوان یک جلودار در روستا عمل می‌کند و مطالبی را برای ارائه به ایستگاه ضبط می‌کند.

مهندسان و تکنیسینها در ایستگاه، یک استودیوی سیار کم هزینه طراحی کرده‌اند که با باتری کار می‌کند. این استودیو مجهز به دو آمپلی فایر، یک میکسر و یک ضبط صوت یوهر (Uher) است. کل هزینه ۴۷۵۳ دلار است.

دولت سری لانکا قصد دارد ۱۲ ایستگاه دیگر رادیوی جامعه برپا کند. داده‌های گردآوری شده به وسیله کارکنان پروژه در **بنگاه سخن‌پرانی سری لانکا** در سال ۱۹۸۴ نشان داد که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان به برنامه‌های این پروژه (که با استفاده از امکانات آن زمان پخش می‌شدند) به این دلیل گوش می‌دادند که آنها را معتبر و قابل اعتماد می‌دانستند. معاون مدیرکل SLBC و هماهنگ کننده این پروژه (ا.س.ت. فرناندو) میزان زیادی از این اعتبار را مربوط به اصول «قابل درک و ملموس» در زمینه تولید برنامه و تماس نزدیک و ارتباط با جمعیت هدف می‌داند.

#### استرالیا - حفظ فرهنگ بومی

رادیوی جامعه در استرالیا در واقع فرزند سیستم پخش دولتی برنامه است.

محور این ماجرا ارائه اطلاعات و بیان فرهنگی در جوامع بومی استرالیا بود. در فوریه ۱۹۸۵، **رادیوی 8-KIN** در آلیس اسپرینگز (Alice Springs)، منطقه شمالی، شروع به کار کرد و به انگلیسی و شش زبان بومی برنامه پخش می‌کرد.

علاوه بر موسیقی سنتی بومی (و همچنین موسیقی محلی و غربی) شنونده‌ها فرصت دارند در مورد ۴۰ هزار سال تاریخ فرهنگ بومیان استرالیا به روایت قصه‌گویان چیزهای بیشتری بشنوند و بیاموزند. اداره این ایستگاه برعهده انجمن رسانه‌ای استرالیای مرکزی است.

انجمن رادیوی بومی غرب استرالیا برنامه‌های خود را از **ایستگاه 6NR** پخش می‌کند که مجوز آن به موسسه فناوری غرب استرالیا، در ایالت کنت (Kent) و بنتلی (Bentley) داده شده است. حدود ۴۵۰ داوطلب محلی به کار برنامه‌سازی در این ایستگاه کمک می‌کنند. پنج تهیه‌کننده مسئول تولید چهار ساعت برنامه به زبان بومی در هفته هستند. داوطلبان عضو گروه‌های قومی، که برای تولید و ارائه برنامه‌های خود آموزش دیده‌اند، همکاران خوبی برای این تهیه‌کننده‌ها هستند.

#### خلاصه مطالب

رادیوی جامعه مفهومی در حال تحول است. در اروپا، محصول فشار گروه‌های اقلیت (قومی یا فلسفی)، در کنار سیاست‌های دولت به نفع مقررات زدایی، این رادیو بوده است. رادیوی جامعه در سوئد، دانمارک، بلژیک و هلند به سطوح پیچیده‌ای رسیده است و بر مبنای مقررات زدایی در حالت عادی در ایتالیا، سوئیس و فرانسه وجود دارد. در بریتانیا این مفهوم از سوی سرویس‌های موجود پخش برنامه با موانعی مانند محافظه‌کاری سیاسی و حمایت‌گری مواجه شد و در ایرلند، ظاهراً در حال عقب

ماندن از رادیوهای تجاری است.

در کشورهای کمتر توسعه یافته، رادیوی جامعه چهره‌های متعددی دارد؛ از مشارکت ساده جامعه در برنامه‌هایی برای آموزش یا توسعه؛ مانند کلمبیا، جمهوری دومینیکن، کنیا، هند و پاکستان، تا مشارکت گسترده جامعه؛ مانند سری لانکا و رادیوی بومی در استرالیا.

دنیای توسعه یافته، رادیوی جامعه را بیشتر یک کاتالیزور برای توسعه (که معنای آن بهبود اوضاع اقتصادی است) یا تقویت و حفظ فرهنگ تلقی می‌کند. این دو هدف برای دولتهایی که عموماً خود را محتاج اعمال کنترل متمرکز و قدرتمندانه با حداقل فرصت برای ابراز ناخشنودی از اوضاع با استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری می‌دانند، حالت تهدید کننده ندارند.

#### پاورقی:

۱- در تایلند فرستنده‌های منطقه‌ای بر قدرت تولیدهای سطوح محلی و جامعه‌ای را پخش می‌کنند.

۲- در شیوه کنترل پخش برنامه در بریتانیا وزارت کشور مسئول این کار است و وظایف اجرایی توسط ماموران وزارت تجارت و صنعت اجرا می‌شوند. معمولاً افسران پلیس لندن به کمک این ماموران می‌آیند.

۳- از لحاظ تاریخی، تجهیزات فرستنده در بریتانیا تحت مالکیت و اداره مقامهای زیر نظر دولت بوده‌اند.

۴- ممنوعیت مشارکت محلی ظاهراً هدفی جز شورای لندن بزرگ (GLC) که پایگاه لیبرالی داشت و در نتیجه توسط دولت محافظه‌کار که قدرت را در دست داشت، منحل شد.

۵- این رقم برای رادیوی جامعه زیاد به نظر می‌رسد، اما تراکم جمعیت در کشورهای جنوب آسیا زیاد است.

